**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه185– 14 /08/ 1398 متن تکمله‌ی عروه/ اقوال فقها در عده/کتاب العدد**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

مساله‌ی اول و دوم تکمله‌ی عروه را بررسی کردیم و به مساله‌ی سوم رسیدیم.

# مساله‌ی سوم تکمله‌ی عروه

**مسألة 3: ذكروا أنّها لو رأت الدم مرة ثم بلغت سن اليأس أكملت العدة بشهرين‌**

و في الجواهر: بلا خلاف أجده فيه و يدل عليه خبر هارون بن حمزة عن أبي عبد اللّه (ع) «في امرأة طلقت و قد طعنت في السن فحاضت حيضة واحدة ثم ارتفع حيضها فقال (ع): تعتد بالحيض و شهرين مستقبلين فإنها قد يئست من المحيض». و هو و إن كان ضعيفا إلّا أنّه منجبر بالعمل به، و المراد من التعليل أنّها حيث يئست من المحيض فتنتقل عدتها من الأقراء إلى الأشهر و يستفاد منه أنّ العدة لا بد منها و يكون الشهران بدل القرئین الآخرين، و ظاهرهم الاقتصار في التلفيق على مورد الخبر، لكن الأظهر إلحاق صورة رؤية الدم مرتين فيضم إليهما شهر مستقبل، و إذا كانت ذات الشهور فاعتدت بشهرين أو بشهر أو أقل ثم يئست أتمت ثلاثة أشهر. فإنّ الظاهر أنّ المدار في وجوب العدة و عدمه على حال الطلاق، فان كانت يائسة حاله لا عدة عليها، و إلّا وجبت و لو بلغت سن اليأس بعده بزمان قليل، إذ احتمال عدم العدة عليها مقطوع العدم إذ هو مستلزم لجواز نكاحها قبل اليأس و هو مقطوع البطلان، و كون عدتها إلى زمان اليأس بعيد، فيبقى وجوب الاعتداد بثلاثة أشهر إذ العدة أحد الأمرين من الأقراء أو الأشهر، و كان مقتضى القاعدة فيما إذا رأت الدم مرة أو مرتين ثم يئست وجوب الاستيناف بثلاثة أشهر و عدم احتساب ما رأته من الدم مرة أو مرتين و إنّما خرجنا عنها لأجل النص.[[1]](#footnote-1)

مرحوم سید می فرماید: فقها گفته اند که اگر زنی یک بار خون ببیند، سپس یائسه شود، عده اش یک قرء و دو ماه خواهد بود.

صاحب جواهر می فرماید: مخالفی در مساله نیافتم.

مرحوم سید می فرماید: خبر هارون بن حمزه بر آن دلالت می کند.

سپس می فرماید: روایت ضعیف است اما با عمل اصحاب، ضعف آن منجبر می شود.

## روایت هارون بن حمزه

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعِرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ‏ حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ فِي‏ امْرَأَةٍ طُلِّقَتْ‏ وَ قَدْ طَعَنَتْ‏ فِي السِّنِّ فَحَاضَتْ حَيْضَةً وَاحِدَةً ثُمَّ ارْتَفَعَ حَيْضُهَا فَقَالَ تَعْتَدُّ بِالْحَيْضَةِ وَ شَهْرَيْنِ مُسْتَقْبِلَيْنِ فَإِنَّهَا قَدْ يَئِسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ.[[2]](#footnote-2)

شَعر، لقب یزید بن اسحاق می باشد.

محمد بن یحیی العطار، محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و هارون بن حمزه توثیقات صریح دارند.

فقط یزید بن اسحاق شعر توثیق ندارد.

دو قرینه جهت توثیق یزید بن اسحاق می توان بیان کرد:

1. اکثار روایت محمد بن الحسین بن ابی الخطاب
2. روایت جعفر بن بشیر: بحث آن مفصل است و پرداختن به آن در این مجال نمی گنجد.

در رجال نجاشی در ترجمه‌ی یزید بن اسحاق چنین آمده است: 1225 - يزيد بن إسحاق بن أبي السخف (السحف) الغنوي أبو إسحاق يلقب شعر (شغر). له كتاب يرويه جماعة. أخبرنا أبو عبد الله القزويني قال: حدثنا علي بن حاتم قال: حدثنا ابن الحميري عن أبيه عن يزيد بكتابه.[[3]](#footnote-3)

منظور از ابیه، عبدالله بن جعفر حمیری می باشد.

این طریقی که در نجاشی آمده است، سقط دارد زیرا عبدالله بن جعفر حمیری در طبقه ای نیست که از یزید بن اسحاق نقل کند و طبقه اش خیلی متاخر از یزید بن اسحاق می باشد. به احتمال زیاد باید محمد بن الحسین بن ابی الخطاب بین این دو واسطه باشد.

### بررسی انجبار ضعف سند روایت هارون بن حمزه به واسطه‌ی عمل اصحاب

مرحوم سید، یزید بن اسحاق شعر را توثیق نمی کند. به همین جهت برای تصحیح این سند به عمل اصحاب تمسک کرده است.

مفاد این روایت در کلام محقق حلی و معاصرینش آمده است اما در کلام متقدمین مفاد این روایت به طور دقیق نیامده است.

#### عبارت نهایه

إذا حاضت المرأة حيضة واحدة، ثمَّ ارتفع حيضها، و علمت أنّها لا تحيض بعد ذلك، فلتعتدّ بعد ذلك بشهرين، و قد بانت منه.[[4]](#footnote-4)

از این عبارت استفاده نمی شود که ارتفاع حیض به سبب یائسگی می باشد.

#### عبارت مهذب ابن براج

و ان رأت الدم قبل ذلك، ثم ارتفع حيضها لغير عذر أضافت إليها شهرين.[[5]](#footnote-5)

می فرماید: اگر قبل از سه ماه خون ببیند، سپس حیض او بدون این که عذری داشته باشد، مرتفع شود، باید دو ماه هم برای تکمیل عده سپری کند.

منظور از تعبیر «لغیر عذر» این است که ارتفاع حیض به خاطر عامل خارجی مثل بیماری یا برداشته شدن رحم نیست بلکه به خاطر سنش حیض مرتفع شده است که متناسب با روایت می شود. زیرا روایت هم عدم رویت دم را معلول سن بیان کرده است.

#### عبارت وسیله

**و المسترابة عدتها أربعة أنواع‌:**

أحدها ثلاثة أشهر و هي إذا مرت بها ثلاثة أشهر بيض لم تر فيها دما.

و ثانيها خمسة عشر شهرا و هي إذا مرت بها ثلاثة أشهر بيض و رأت قبل انقضاء ثلاثة أشهر و لو بيوم دما لزمها الاعتداد بالأقراء فإن احتبس الدم الثاني لعذر صبرت إلى تمام تسعة أشهر من حال الطلاق فإن رأته و احتبس الثالث صبرت تمام السنة و اعتدت بعدها ثلاثة أشهر و إن مات أحدهما قبل انقضاء المدة توارثا.

و ثالثها خمسة أشهر و هي إذا مرت بها ثلاثة أشهر فرأت الدم قبل انقضائها و احتبس الدم الثاني لغير عذر صبرت بعدها شهرين و قد بانت منه.

و رابعها سنة و هي إذا مرت بها ثلاثة أشهر بيض و رأت الدم قبل انقضائها و احتبس الثاني بعذر صبرت تمام تسعة أشهر فإن لم تر دما اعتدت بعد ذلك بثلاثة أشهر.[[6]](#footnote-6)

می فرماید: قسم سوم مسترابه عده اش پنج ماه است و آن در صورتی است که قبل از اتمام سه ماه خون ببیند، اما بدون این که عذری داشته باشد، دیگر خونی نبیند، باید دو ماه صبر کند تا عده اش تمام شود.

در این جا هم منظور از تعبیر «لغیر عذر» این است که به خاطر سنش دیگر خون نمی بیند که متناسب با روایت است.

#### عبارت اصباح الشیعه

إذا حاضت المطلقة حيضة واحدة ثم ارتفع حيضها لعارض، و علمت أنها لا تحيض بعد أضافت إلى ذلك شهرين و تمت عدتها[[7]](#footnote-7)

عبارت اصباح الشیعه عجیب است، زیرا ارتفاع حیض را به خاطر عارضی که به وجود آمده می داند و مطابق روایت نیست.

البته قبل از ایشان هم شیخ طوسی چنین عبارتی را در مبسوط آورده است.

#### عبارت مبسوط

فان انقطع حيضها لم يخل إما أن ينقطع لعارض أو لغير عارض، فان انقطع لعارض مرض أو رضاع فإنها لا تعتد بالشهور، بل تتربص حتى تأتي بثلاثة أقراء، و إن طالت مدتها و هذا إجماع عندهم.

و إذا انقطع لغير عارض قال قوم تتربص حتى تعلم براءة رحمها ثم تعتد عدة الآيسات، و قال آخرون تصبر أبدا حتى تيأس من المحيض، ثم تعتد بالشهور و هو الصحيح عندهم، و فيه خلاف.

و الذي رواه أصحابنا أنه إذا مضى بها ثلاثة أشهر بيض لم تر فيها الدم فقد انقضت عدتها، و إن رأت دما قبل ذلك ثم ارتفع حيضها لعذر أضافت إليه شهرين و إن كان لغير عذر صبرت تمام تسعة أشهر[[8]](#footnote-8)

به نظر می رسد شیخ عذر و غیر عذر را در مورد غیر یائسه فرض کرده است.

#### عبارت نزهة الناظر

و أما القرء و الشهران جميعا فعدة من طلقها زوجها بعد الدخول بها و حاضت حيضة واحدة بعد طلاقها ثم ارتفع حيضها ببلوغ سنها إلى الخمسين أو الستين فإنها تعتد بعد القرء المذكور بشهرين.[[9]](#footnote-9)

یحیی بن سعید در این عبارت صریحا مضمون روایت را آورده است.

#### عبارت الجامع للشرایع

فإن حاضت حيضة ثم ارتفع لكبر اعتدت، بعدها شهرين و بانت[[10]](#footnote-10)

در این عبارت هم مضمون روایت آمده است.

#### عبارت سرائر

و إذا حاضت المرأة حيضة واحدة، ثمّ ارتفع حيضها، و علمت أنّها لا تحيض بعد ذلك لكبر، فلتعتدّ بعد ذلك بشهرين، و قد بانت منه على ما رواه أصحابنا[[11]](#footnote-11)

در این عبارت هم مضمون روایت آمده است.

#### عبارت شرایع

و لو رأت الدم مرة ثم بلغت اليأس أكملت العدة بشهرين.[[12]](#footnote-12)

مطابقت این عبارت با روایت هارون بن حمزه از سایر عبارات صریح تر و روشن تر می باشد.

### بررسی دلالت روایت هارون بن حمزه

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعِرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ‏ حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ فِي‏ امْرَأَةٍ طُلِّقَتْ‏ وَ قَدْ طَعَنَتْ‏ فِي السِّنِّ فَحَاضَتْ حَيْضَةً وَاحِدَةً ثُمَّ ارْتَفَعَ حَيْضُهَا فَقَالَ تَعْتَدُّ بِالْحَيْضَةِ وَ شَهْرَيْنِ مُسْتَقْبِلَيْنِ فَإِنَّهَا قَدْ يَئِسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ.[[13]](#footnote-13)

#### مراد از تعلیل فَإِنَّهَا قَدْ يَئِسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ

##### بیان مرحوم سید

مرحوم سید می فرماید: و المراد من التعليل أنّها حيث يئست من المحيض فتنتقل عدتها من الأقراء إلى الأشهر و يستفاد منه أنّ العدة لا بد منها و يكون الشهران بدل القرئین الآخرين

##### بیان دیگر در مراد از تعلیل

روایت دیگری از هارون بن حمزه هست که مراد از این تعلیل را روشن می کند.

سَعْدٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ إِسْحَاقَ شَعِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ حَمْزَةَ الْغَنَوِيُّ الصَّيْرَفِيُّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ‏ جَارِيَةٍ حَدَثَةٍ طُلِّقَتْ وَ لَمْ تَحِضْ بَعْدُ فَمَضَى لَهَا شَهْرَانِ ثُمَّ حَاضَتْ أَ تَعْتَدُّ بِالشَّهْرَيْنِ قَالَ نَعَمْ وَ تُكْمِلُ عِدَّتَهَا شَهْراً فَقُلْتُ أَ تُكْمِلُ عِدَّتَهَا بِحَيْضَةٍ قَالَ لَا بَلْ بِشَهْرٍ مَضَى آخِرُ عِدَّتِهَا عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ أَوَّلُهَا.[[14]](#footnote-14)

جاریه ای طلاق داده می شود که تا به حال حیض ندیده است و پس از دو ماه حیض می بیند، امام می فرماید: عده اش را با یک ماه کامل می کند.

سوال می شود که حال که حیض دیده است آیا عده اش را با یک حیض کامل کند؟

امام می فرماید: اگر عده اش را با ماه شروع کرده است باید با ماه هم به اتمام برساند و عده تلفیقی نمی شود.

تعلیل روایت ناظر به همین مطلب است که گر چه در باب عده قانونی وجود دارد که عده به همان شکل که شروع شده است باید به همان شکل هم پایان یابد، اما وقتی زنی عده را با حیض شروع کرد و سپس یائسه شد، نمی تواند به همان نحوی که عده را شروع کرده است، آن را به پایان برساند. حال که نمی تواند عده را با حیض به پایان برساند، شارع مقدس دو ماه را عوض دو حیضی که باید با آن عده را تکمیل می کرد، قرار داده است.

1. [تکملة العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص55.](http://lib.eshia.ir/10081/1/55/3) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص100.](http://lib.eshia.ir/11005/6/100/شعر) [↑](#footnote-ref-2)
3. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص453.](http://lib.eshia.ir/14028/1/453/شعر) [↑](#footnote-ref-3)
4. [النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، شیخ طوسی، ج1، ص533.](http://lib.eshia.ir/10054/1/533/ارتفع) [↑](#footnote-ref-4)
5. [المهذب، ابن البرّاج، ج2، ص320.](http://lib.eshia.ir/10052/2/320/اضافت) [↑](#footnote-ref-5)
6. الوسيلة إلى نيل الفضيلة، ص: 326 [↑](#footnote-ref-6)
7. إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، ص: 466 [↑](#footnote-ref-7)
8. [المبسوط فی فقه الإمامیة، شیخ طوسی، ج5، ص237.](http://lib.eshia.ir/10036/5/237/رضاع) [↑](#footnote-ref-8)
9. نزهة الناظر في الجمع بين الأشباه و النظائر، ص: 108 [↑](#footnote-ref-9)
10. الجامع للشرائع، ص: 471 [↑](#footnote-ref-10)
11. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، ج‌2، ص: 741 [↑](#footnote-ref-11)
12. [شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج3، ص25.](http://lib.eshia.ir/71613/3/25/اکملت) [↑](#footnote-ref-12)
13. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص100.](http://lib.eshia.ir/11005/6/100/شعر) [↑](#footnote-ref-13)
14. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص139.](http://lib.eshia.ir/10083/8/139/بحیضة) [↑](#footnote-ref-14)